



بازنمایی تجارب زیسته هنرآموزان از کاستی‌های احتمالی استانداردهای فنی و حرفه‌ای ویژه هنرجویان کم توان ذهنی در مراکز متوسطه حرفه‌ای استثنایی

کیوان صالحی^۱؛ اقبال خانی^۲؛ لیلا ادیبی^۳

چکیده

امروزه در آموزش و پرورش کودکان کم‌توان ذهنی، تأکید اصلی بر آموزش‌های کاربردی، به‌ویژه حرفه آموزی است و در این راستا بر اساس استانداردهای آموزشی تدوین شده خاص کودکان استثنایی در مراکز متوسطه حرفه‌ای به آموزش این افراد پرداخته می‌شود. این پژوهش با هدف شناسایی کاستی‌های احتمالی این استانداردها با استفاده از بازنمایی تجارب هنرآموزان شاغل در این مراکز در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ در استان کردستان به انجام رسید. سعی گردید تا با استفاده از رویکرد تفسیرگرایانه به بازسازی معنایی تجارب معلمان از کاستی‌های احتمالی این استانداردهای اجرا شده پرداخت. به منظور گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختارمند استفاده شد. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس پس از ۲۲ مصاحبه، اشباع داده‌ها حاصل شد. برای تفسیر داده‌ها از روش کلایزی استفاده شد. تحلیل عمیق تجربه‌زیسته معلمان، موجب شناسایی و دسته‌بندی سه کاستی احتمالی این استانداردها شده است نظیر ۱- عدم تناسب این استانداردها با میزان تجهیزات و امکانات کارگاهی موجود در مدارس استثنایی استان کردستان ۲- عدم تناسب این استانداردها با توانایی‌های ذهنی و جسمی این هنرجویان ۳- عدم تناسب این استانداردها با نیاز بازار کار و اشتغال‌زایی این هنرجویان، و با استفاده از همین تجارب راهکارهایی برای تخفیف یا حذف این کاستی‌ها ارائه شده است.

کلید واژگان: تجارب زیسته هنرآموزان، کاستی‌های احتمالی، استاندارد‌های فنی و حرفه‌ای ویژه هنرجویان کم توان ذهنی، کیفی

۱. استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران: keyvansalehi@ut.ac.ir

۲. دبیر آموزش و پرورش استان کردستان کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی، ۰۹۱۸۸۷۰۴۵۷۶: khani۸۹@chmail.ir

۳. دبیر آموزش و پرورش استان کردستان، ۰۹۱۸۳۷۹۰۲۴۷: adibi۱۳۷۹@yahoo.com



Experiences of students of technical standards and professional representation possible shortcomings, especially students with intellectual disability exceptional professional education centers

Keyvan Salehi & Eghbal Khani & Leila Adibi

Abstract

Today, the education of mentally retarded children, the main emphasis on practical education, especially vocational learning. In this regard, based on standards developed specifically for Exceptional Children in secondary vocational centers to train these people are paid. This study aims to identify shortcomings in the standards using the representation of art experiences in the academic year ۹۴-۹۵. Students working in these centers was conducted in Kordestan province. Was trying to use the interpretative approach to reconstructing the meaning of shortcomings likely experience performance metrics pay teachers. In order to collect data, semi-structured interviews were used. Using purposive sampling and available after ۲۲ interviews, data saturation was reached. Colaizzi method was used to analyze the data. Depth analysis of the lived experience of teachers, led to identifying possible shortcomings and three-category classification standard, such as: ۱- These standards do not fit with the existing workshop facilities in special schools Kurdistan ۲- Lack of mental abilities and physical fitness standards with the students ۳- This was the mismatch between labor market needs students Standards, And using the experiences of strategies to mitigate or eliminate these shortcomings are presented.

Keywords: The lived experience of students, possible shortcomings, technical and professional standards . for students with intellectual disability, quality



مقدمه

بر اساس تعریف، ارایه شده توسط انجمن آمریکایی کم توان ذهنی^۱، در سال ۲۰۱۱ کم توانی ذهنی محدودیت هایی است که در عملکرد فرد بروز می کند از ویژگی های آن کارایی ذهن پایین تر از حد متوسط بوده و با محدودیت هایی که دارد پیش از ۱۸ سالگی برومی کند. آماده کردن برای زندگی و فراگیری مهارت های لازم به منظور داشتن یک زندگی نسبتا مستقل، هدف آموزش به افراد کم توان ذهنی است(۱). درحقیقت بزرگترین هدف آموزش و پرورش افراد با نیازهای ویژه به خصوص افراد کم توان ذهنی، رساندن آنها به خودکفایی اجتماعی و اقتصادی است. در همین رابطه، شغل مناسب و پایداری ماندن در شغل مناسب برای رسیدن به خودکفایی نسبی بسیار مهم است(۲). برنامه های آموزش حرفه ای دانش آموزان کم توان ذهنی به دلیل برآورده نشدن اهداف و انتظارات، صرف هزینه های هنگفت، زمان زیاد و بازدهی کم و نیز ناکارآمدی محتوا، برنامه ها و شیوه اجرای آنها، همواره با انتقاداتی همراه بوده است، با این وجود مشاهده می شود که برنامه های آموزش حرفه ای دانش آموزان کم توان ذهنی رو به گسترش بوده و فرآیند تکاملی را تجربه می کند (۳). براساس پژوهش های انجام شده فاصله زیادی میان برنامه درسی دانش آموزان کم توان ذهنی و محیط واقعی کار وجود دارد(۴). ارتباط آموزش فنی و حرفه ای با دنیای واقعی کار نیازمند هماهنگی و ارتباط استانداردهای آموزشی با شرایط روز باشد. مطالعه استرونیک و تاکر^۲(۲۰۰۳) نشان داد که بدون وجود معلمان یا هنر آموزان توانمند و با کیفیت در کلاس درس، امکان موفقیت هیچکدام از برنامه های اصلاح نظام آموزشی وجود ندارد. نقش معلمان تا بدانجا مهم و حیاتی است که می توان معلم را در نقش سکندار اصلی نظام آموزشی تصور نمود. نتایج بررسی ها، شواهد و مستندات متعدد پژوهشی، نشان می دهد، معلمان در توفیق نظام آموزشی، افزایش کیفیت فرایند یاددهی یادگیری و همچنین تعمیق یادگیری دانش آموزان، نقش به سزایی دارند(سبیت، ۲۰۱۱ عراقی، برزآبادی، بهجتی و نادری زاده، ۲۰۱۱؛ هنری، تامسون، فرتنر، زالی، کرشواو، ۲۰۱۰؛ ساکس، ۲۰۰۹؛ پتل، ۲۰۰۸؛ پیرکمالی، مومنی مهمویی، پاکدامن، ۱۳۹۲؛ ملایی نژاد، ۱۳۹۱؛ عارفی، فتحی واجارگاه و ادری، ۱۳۸۸؛ و کیلی هریس، حجازی و ازهای، ۱۳۸۸؛ کردنوقایی، و سیف، ۱۳۸۴). پیشنهادهای برگرفته از این مطالعات، بر ضرورت توجه به نظرات و خواسته های معلمان و یا هنر آموزان به عنوان تسهیل گران امر تربیت صحنه گذارده است (کافمن، گریم و میلر^۳ ۲۰۱۳). در این مقاله سعی شده است تا بدون هرگونه سوگیری، تجارب زیسته هنر آموزان در استفاده از از کاستی های احتمالی استانداردهای فنی و حرفه ای ویژه هنرجویان کم توان ذهنی بازنمایی گردد. کنکاشی در پیشینه پژوهشی موجود در خصوص استفاده از این استانداردها، وجود مزیت ها و معایبی را مورد تأیید قرار می دهد. بر پایه مطالعات انجام شده، از مهمترین مزیت های اشاره شده، اجرای برنامه حرفه آموزی موجب افزایش در حد متوسط خودکفایی، مهارت های اجتماعی و روانی و حرکتی شده است(علیرضا آقابابایی وهمکاران؛ ۱۳۹۴) در پژوهشی دیگر نشان داده شده است اجرای این استانداردها موجب افزایش عزت نفس و شادکامی در هنر آموزان شده است(اقبال خانی وهمکاران؛ ۱۳۹۴) در پژوهشی دیگر در مورد میزان اشتغال این هنرجویان بعد از فارغ التحصیلی ۱۵ درصد مشغول به کار می شوند که ۲/۷ درصدشان شغل مرتبط با حرفه آموخته شده پیدا کرده اند (حسنی، ۲۰۰۵). در مورد معایب نیز همتی در بررسی تاثیر آموزش مهارت های حرف های در اشتغال زایی برای افراد کم توان ذهنی در شهر تهران، نشان داد حدود ۹۹ درصد از فارغ التحصیلان حرفه آموزی بی کارند(همتی ۲۰۰۴) و در مورد ارزیابی برنامه درسی حرفه آموزی دانش آموزان کم توان ذهنی ابطحی نشان داد برنامه درسی موجود بیشتر توسط برنامه ریزان درسی نسبت به اجراکنندگان حمایت می شود که این حمایت قابل دفاع نیست(۵). با توجه به اینکه مراکز متوسطه حرفه ای استثنایی به طور رسمی از سال ۱۳۸۶ شروع به کار کرده اند به نظرمی رسد پژوهش های کافی در حوزه استانداردها صورت نگرفته است و آنچه بیشتر بررسی شده است به صورت توصیفی و یا کمی می باشد و اغلب مربوط به دروس عمومی می باشد(همتی، ۱۳۹۲؛ چهاربند، ۱۳۹۱؛ سیداسماعیلی کمی، ۱۳۹۲؛ مملکت دوست وهمکاران، ۱۳۹۴؛ علیرضا آقابابایی، تقی آقا حسینی، فاطمه قاسمی، ۱۳۹۴) با توجه به سیطره رویکردهای کمی پژوهش در مطالعات حوزه های علوم انسانی و عمق کم یافته های بدست آمده از مطالعات کمی (بازرگان، ۱۳۸۹) به نظر می رسد شناخت به دست آمده در بازنمایی پدیده مورد مطالعه، از عمق کافی برخوردار نیست ضمن آنکه نپرداختن به نظرات و دیدگاه و تجربیات هنرجویان فنی در مورد این استانداردها به طور اخص موجب شد تا در پژوهش حاضر بر درک این ضرورت، سعی شد با استفاده از رویکرد مبتنی بر روش شناسی تفسیرگرایی، ضمن تحلیل تجربه زیسته هنرآموزان و ادراک دیدگاه های آنها به عنوان مهمترین عنصر تأثیرگذار در هدایت فرایند یاددهی یادگیری، ضمن کسب شناخت عمیق از پدیده مورد مطالعه، آسیب های احتمالی ناشی از اجرای این استانداردها بازنمایی شود. بدین منظور سوالات این است که هنر آموزان چه ادراکی نسبت به اجرای این استانداردها دارند؟

^۱ American Association of Mental Retardation(AAMR)

^۲ Stronge & Tucker

^۳ Kaufman., Grimm., & Miller



چهارچوب مفهومی

با توجه به تفاوت های فلسفی پارادایمی دو روش کمی و کیفی، در بررسیهای کیفی به جای استفاده از چهارچوب نظری برای تدوین و آزمون فرضیه ها، از چهارچوب مفهومی برای استخراج سؤال یا سؤالات تحقیق استفاده می شود (مکسول، ۲۰۰۵؛ ریتچ و لوتیس^۱، ۲۰۰۳: ۴۹). چهارچوب مفهومی در تحقیق حاضر مبتنی بر رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی است^۲ به اعتقاد بازرگان (۱۳۸۴)، بر اساس دیدگاه تفسیرگرایی، واقعیت، مشروط به تجربه انسان و تفسیر اوست. انسان با تجربه میتواند دانش مربوط به واقعیت را در ذهن خود بسازد. پژوهشگر از راه تعامل با موضوع مورد پژوهش، به شناخت آن نایل میشود. در این دیدگاه، شناخت امری عینی نیست و ابعاد و تفسیرهای گوناگون دارد (ص ۴۱). در رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی به عنوان رویکرد اصلی در این مطالعه، باور بر این است که با توجه به خلاق بودن ماهیت انسان، سیال بودن واقعیت اجتماعی و ساخته و معنادار شدن در فرایند درک و تفسیر انسانها از آن، نمی توان مسیر و روش خاص برای درک واقعیات و یا ایجاد تغییر در آنها پیشنهاد کرد (دنزین و لینکلن، ۲۰۱۱؛ نیومن، ۲۰۰۷؛ گوبا و لینکلن، ۲۰۰۵؛ گلیزر، ۲۰۰۱)^۳ با توجه به این موضوع و با استفاده از دیدگاه بازرگان (۱۳۸۴)، برای انجام پژوهش های آموزشی که بتواند راهگشای شناخت عمقی عناصر نظام آموزشی باشد، باید از روش شناسی تفسیری استفاده نمود. در این پژوهش سعی گردید تا با استفاده از رویکرد تفسیرگراییانه به بازسازی معنایی ادراک معلمان از آسیبهای احتمالی ناشی از استفاده استانداردهای فنی و حرفه‌ای ویژه هنرجویان کم توان ذهنی و نشان داده شود که این مشارکت کنندگان چه درکی از کاستی های عمده ناشی از پیاده سازی این استانداردها دارند، آنها را چگونه درک و ارزیابی می کنند.

روش

برای پاسخگویی به سؤال پژوهش و به منظور شناخت عمیق از وضعیت موجود و باتوجه به فقدان مطالعات کافی در این حوزه و همچنین اهمیت این استانداردها ضرورت تلاش برای ادراک و تحلیل تجربه زیسته معلمان و بازنمایی آسیب های محتمل دوچندان است این مسئله، بر اهمیت و لزوم استفاده از رویکردی اکتشافی برای ادراک و بازنمایی تصاویر ذهنی معلمان و کشف ابعاد پنهان ناشی از اجرای این استانداردها صحنه می گذارد. به زعم بازرگان (۱۳۸۹)، زمانی می توان از پژوهش کیفی استفاده نمود که بخواهیم یک پدیده را از جهات گوناگون مورد بررسی قرار دهیم و ضمن مطالعه افراد در شرایط طبیعی شان، تصویری تفصیلی از پدیده های مورد مطالعه را بازنمایی نمائیم بنابراین پژوهش حاضر، با توجه به جمیع جهات و به ویژه ماهیت موضوع مورد بررسی، مبتنی بر پژوهشی کیفی با رویکرد امیک^۴ انجام شده است. برای تفسیر داده‌ها از روش کلایزی استفاده شد.

نحوه انتخاب مشارکت کنندگان

تعداد و نحوه انتخاب مشارکت کنندگان در مطالعات به روش کیفی مانند روشهای کمی از پیش تعیین شده نیست و به روند تحقیق و مقولات در حال تکوین بستگی دارد. روش انتخاب مشارکت کنندگان در تحقیقات کیفی از نوع هدفمند است و حجم آن نیز به سطح اشباع نظری سؤال های تحقیق بستگی دارد محقق کوشیده است تا به صورت هدف دار، بر مبنای اینکه چه نوع اطلاعات خاصی در پی یافته های اولیه مورد نیاز است، مشارکت کنندگان را انتخاب نماید. (ادیب حاج باقری، پرویزی و صلصالی، ۱۳۸۶). اشباع نظری، زمانی اتفاق می افتد که محقق به این نتیجه برسد که در مرحله ای از کار به مفاهیم و پاسخهای مشابه دست یافته و مفاهیم جدیدی ظهور نیابند (گلاسر و استراوس، ۱۹۶۷: ۶۱؛ نقل در محمدپور و بهمنی، ۱۳۸۹)، به دیگر سخن، سطح اشباع داده ها، به مرحله ای از گردآوری داده‌های کیفی اطلاق میشود که پاسخهای داده شده به سؤالات تحقیق و یا مصاحبه های انجام شده کافی به نظر می رسند، چرا که داده های گردآوری شده از طریق انجام مصاحبه، مشابه و تکراری می شود (محمدپور، ۱۳۹۱) به اعتقاد کراسول (۱۹۹۸) در مطالعات کیفی، تعداد مشارکت کنندگان نباید کمتر از بیست نفر باشد (نقل از محمدپور و رضایی، ۱۳۸۷). بر این اساس در این پژوهش، در انتخاب معلمان، از راهبرد نمونه گیری زنجیره‌ای استفاده گردید. استفاده از راهبرد زنجیره‌ای، که با هدف شناسایی مشارکت کنندگان

^۱ Maxwell; Ritchie & Lewis

^۲ Social interpretivism

^۳ Denzin & Lincoln; Neuman; Guba & Lincoln; Glaser

^۴ emic



مناسب تحقیق، انجام بدین منظور سعی گردید تا از میان هنرآموزان آگاه نسبت به ظرافت های استانداردها، نمونه هایی، انتخاب و مورد بررسی قرار گیرند. مستلزم مشورت با افراد مطلع است. پس از انجام ۲۲ مصاحبه، اشباع داده ها حاصل شد.

توصیف ویژگی های مشارکت کنندگان

بررسی ویژگی های جمعیت شناختی معلمان مشارکت کننده در پژوهش، می تواند به مخاطبان در درک و برقراری ارتباط نزدیکتر با یافته ها کمک نماید همان گونه که پیشتر اشاره شد، در این پژوهش با ۲۲ نفر از هنرآموزان مراکز متوسطه حرفه ای، مصاحبه شد که ۵ نفر معادل ۲۶ درصد آنها را هنرآموزان زن تشکیل داده است. حدود ده درصد مدرک فوق دیپلم؛ ۱۰۰ درصد مدرک تحصیلی فنی، ۷۰ درصد سابقه تدریس بیش از ۱۵ سال داشتند و هشتاد و هشتاد درصد هنرآموزان بالای ۵ سال سابقه تدریس در مراکز متوسطه حرفه ای استثنایی را داشتند، حدود ۹۰ درصد به لحاظ وضعیت استخدامی، رسمی بودند. بنابراین می توان نتیجه گرفت که گروه معلمان مصاحبه شده، به لحاظ آشنایی و تجربه امر آموزش در وضعیت مناسبی قرار داشتند.

ماهیت، گردآوری و تحلیل داده ها

پژوهشگران در پژوهش کیفی با داده هایی سر و کار دارند که واقعیت های مورد مطالعه را به صورت کلامی، تصویری یا امثال آن نمایان کرده و مورد تحلیل قرار می دهد (بازرگان؛ ۱۳۹۱). برای گردآوری داده ها از فن مصاحبه کیفی نیمه ساختارمند استفاده شد. برای هدایت نظام یافته و روانمند مصاحبه ها، پروتکل مصاحبه گری تنظیم گردید. پس از تدوین پروتکل و وصول آمادگی مصاحبه شونده ها، طبق برنامه زمان بندی شده، به انجام گفتگو و تنظیم و بازبینی متن گفتگوهای صورت گرفته، درباره سؤالات محوری در قالب کاربرگ های تدارک دیده شده، اقدام گردید. با توجه به محدودیت زمانی هنرآموزان در مدرسه، انجام مصاحبه در ساعات غیر کلاسی و جمیع شرایط، مصاحبه غیر حضوری و تلفنی، مناسب ترین گزینه در نظر گرفته شد. پس از گردآوری فرمهای تکمیل شده، نسبت به پالایش، بازخوانی، دسته بندی و ارائه یافته ها از طریق فن تحلیل محتوای کیفی متن مصاحبه ها اقدام شد. برای تحلیل داده ها اقداماتی نظیر انجام مصاحبه با مشارکت کنندگان مرور یادداشت های تدوین شده بلافاصله بعد از انجام هر مصاحبه برای تعدیل و تکمیل مطالب یادداشت شده و همچنین کدگذاری، صورت پذیرفت. در پژوهش حاضر، داده های حاصل از یادداشت برداری های به عمل آمده از مصاحبه ها، خط به خط خوانده شده و سپس مفاهیم و جملات اصلی، استخراج و مقولات و طبقات تشکیل شد و در نهایت دسته بندی شدند. نگارش مقالات به روش کیفی، متضمن گزارش داده های متنی (نه عددی) است و با لغات، موضوعات و نوشته ها مشخص می شود. محقق برای راحتی و احساس امنیت مصاحبه شونده، با توافق فرد، مصاحبه ها را انجام می داد. در این پژوهش، از سؤالات باز پاسخ استفاده شد. پس از انجام دو مرحله اول تجزیه و تحلیل مصاحبه اول، مصاحبه بعدی انجام گرفت. پس از اشباع اطلاعات، انجام مصاحبه خاتمه یافته و مرحله آخر تجزیه و تحلیل انجام شد. به منظور حصول اطمینان از موثق بودن داده ها، از بازنگری هنرآموزان استفاده گردید و تغییرات لازم انجام شد.

ملاکهای مرتبط با ارزیابی پژوهش کیفی

تحلیل داده ها بر اساس روش هفت مرحله ای کلایزی^۱ گام به گام انجام گرفت. تحلیل داده ها با استفاده از روش کلایزی و به شرح زیر انجام شده است. در مرحله اول، مطالب اصلی هر مصاحبه استخراج و به همان صورت (زبان شرکت کنندگان) نوشته شد. به منظور هم احساس شدن با تجربیات و توصیفات شرکت کنندگان کلیه متون بازخوانی شد. در مرحله دوم، هر متن مرور شده و عبارات مهم استخراج گردید. در این مرحله، واژه ها و عبارات مهم و مرتبط با مشکلات و کاستی های احتمالی استانداردها از متون مصاحبه استخراج گردید. سپس در مرحله سوم، معنای هر عبارت مهم توضیح داده شد. تلاش گردید با مفهوم بخشیدن به هر یک از واحدهای معنای استخراج شده تا معنای خلاصه شود. در مرحله چهارم تجزیه و تحلیل، معنای خلاصه به صورت دسته هایی از درونمایه ها سازماندهی شدند، که محقق جهت موثق و معتبر نمودن مطالب به توصیف اصلی شرکت کنندگان رجوع نمود. همچنین به اختلافات میان و یا مابین دسته های گوناگون توجه کرده و به دسته بندی مفاهیم خلاصه شده به درون دسته های خاص پرداخته است. در مرحله پنجم کدها به صورت دسته های مرتبط با هم در یک دسته کلی تر و سپس خوشه هایی قرار گرفتند که از این خوشه ها مفاهیم محوری به دست آمد. یافته ها نشان داد که بر اساس شباهت، در ۳ دسته کلی بر اساس اهمیت می توان دسته بندی کرد. که در زیر آورده شده است: ۱- عدم تناسب این استانداردها با میزان تجهیزات و امکانات کارگاهی موجود در مدارس استثنایی استان کردستان ۲- عدم تناسب این استانداردها با توانایی های ذهنی

^۱.Colaizy



وجسمی این هنرجویان ۳- عدم تناسب این استانداردها با نیاز بازار کارو اشتغال‌زایی این هنرجویان واین کاستی های اصلی خود دارای ۳ زیرمفاهیم است. وهر کاستی به ۴ دسته جزئی تر تقسیم بندی شده است.

یافته‌ها

به باوراسترونک و تاکر^۱ (۲۰۰۳) بدون وجود معلمان یا هنر آموزان توانمند و با کیفیت در کلاس درس، امکان موفقیت هیچکدام از برنامه های اصلاح نظام آموزشی وجود ندارد(ص۳) این امر بر اهمیت و لزوم شناسایی، تحلیل باورها و ادراکات معلمان، صحنه میگذارد. تحلیل ادراکات و برداشت های معلمان، تجارب زیسته آنها در خصوص آسیب های احتمالی ناشی از اجرای این استانداردها را بازنمایی نمود. هدف این مقاله، قضاوت در مورد درستی یا نادرستی دیدگاه و ادراک معلمان نیست، بلکه تلاش بر این است تا همچون آینه ای شفاف، ضمن توصیف، تحلیل و انعکاس ادراکات معلمان در خصوص آسیب های احتمالی ناشی از تداوم روند کنونی استفاده از این استانداردها راه حل هایی برای این کاستی ها ارائه شود. در این مراکز استانداردهای مشبک بری، درودگری نقاشی ساختمان، کاشت گل و گیاه و برای مدارس دختران هنر زندگی ورشته های خیاطی یا آشپزی استفاده می شود، اولین مشکلی که اکثر هنر آموزان به آن اشاره کرده بودند عدم تناسب این استانداردها با میزان تجهیزات و امکانات کارگاهی موجود در مدارس بود که به با توجه به تحلیل وتفسیر فرم ها بر اساس مدل کلایزی ۴ زیر مجموعه برای آن مشخص شده است:

جدول شماره ۱	
کاستی اصلی ۱: عدم تناسب این استانداردها با میزان تجهیزات و امکانات کارگاهی موجود در مدارس استثنایی استان کردستان	
زیر مجموعه ها	<ul style="list-style-type: none"> - موجود نبودن تجهیزات کافی و به روز بر اساس نیاز استانداردها - نبود فضای مناسب کارگاهی واستاندارد برای اجرای این استانداردها - ایمن نبودن کارگاه وتجهیزات با توجه به ملاک های ایمنی وبهداشت کارگاهی - نبودوسایل ایمنی فردی متناسب با نوع معلولیت ها؛ سن وجنس هنرجویان

موجود نبودن تجهیزات کافی و به روز بر اساس نیاز استانداردها براساس اظهارات هنرآموزان امکانات کارگاهی که در استانداردها وجود دارد به طور کامل در این مراکز موجود نمی باشد ویا اگر موجود است به روز نیست به طور مثال به گفته هنر آموزان: چون از زمانی که سازمان استثنایی تجمیع شده است بودجه های خاص این مراکز اختصاص نمی یابد بسیاری از این تجهیزات برای مدارس قابل تهیه نیست واگر هم تهیه می شود از مدارس وکارگاه های هنرستان های دیگر بوده است که مستعمل ویا قدیمی هستندیکی دیگر از مشکلات وکمبودها نبود فضای مناسب کارگاهی واستاندارد برای اجرای این استانداردها است از زمان تاسیس این مراکز هیچ مرکزحرفه ای استانداردی که دارای کارگاه های استاندارد باشد در استان تاسیس نشده است که از نظر نور دهی، تهویه؛ متراژ وشرايط فیزیکی کامل وبی نقص باشد؛ خصوصاً برای این هنرجویان که معمولاً در شرایط جسمی وذهنی ضعیف تری هستند ومحیط بهتری را لازم دارند مشکل بعدی ایمن نبودن کارگاه وتجهیزات با توجه به ملاک های ایمنی وبهداشت کارگاهی اصل اول ایمنی بعد کار، برای این افراد بسیار ضروری تر از افراد عادی است اما درکارگاه های همچون درودگری یا خیاطی وسایل وتجهیزاتی وجود دارند که برای این افراد مناسب سازی نشده اند ومی توانند منشا خطراتی باشند که افراد عادی با آن مواجه نیستنداما در تجهیزات وامکانات مورد نیاز استانداردها آورده شده اندومورد نیاز رشته ها می باشند مورد بعدی نبودوسایل ایمنی فردی متناسب با نوع معلولیت ها؛ سن وجنس هنرجویان این افراد با توجه به شرایط خاص ذهنی وجسمی از نظر تجهیزات ایمنی فردی ماسک های مخصوص، عینک های مخصوص روپوش های مناسب کم

^۱ Stronge & Tucker



های فردی و کفش های مناسب لازم دارند که در کارگاه های این مراکز موجود نیست یا به ندرت آن هم نه به تعداد کافی واز نوع مرغوب؛ که این خود باعث وجود مشکلاتی خواهد شد که مشخص ترین آن مجبور شدن هنر آموزان برای نادیده گرفتن این قسمت از آموزش استاندارد ها است. بر اساس همین گفته ها سعی شده است که راه کارهایی نیز ارائه شود که از همین نظرات استفاده شده است در بحث عدم تناسب این استانداردها با میزان تجهیزات و امکانات کارگاهی موجود در مدارس استثنایی استان کردستان می توان راه کارهای زیر را با توجه و استفاده از تجربه زیسته ایشان مطرح نمود: ۱- دومین کاستی یا کمبود اصلی از دیدگاه هنر آموزان عدم تناسب این استانداردها با توانایی های ذهنی و جسمی این هنرجویان است که به ۴ زیر مجموعه تقسیم بندی شده است :

جدول شماره ۲	
کاستی اصلی ۲: عدم تناسب این استانداردها با توانایی های ذهنی و جسمی این هنرجویان	
زیر مجموعه ها	<ul style="list-style-type: none"> - استانداردها برای هنر آموزان ساده و ابتدایی است - برای هنر آموزان چند معلولیتی تدبیری اندیشیده نشده است. - استانداردها ساده شده ی استانداردهای مختص افراد عادی است نه متناسب سازی شده با شرایط ذهنی و جسمی افراد کم توان ذهنی - عدم تنوع در تعداد و نوع در استانداردهای ارائه شده

بر اساس استخراج اظهارات نهایی هنر آموزان استانداردها برای هنر آموزان ساده و ابتدایی است با توجه به اینکه شرایط هنرجویان استان های محروم تا حدی با استان های برخوردار از نظر ذهنی و جسمی متفاوت است واکثر این هنر جوان آموزش پذیر سطح بالا و هنرجویان استان های برخوردار آموزش پذیر سطح پایین هستند در واقع، تایید شده است که میزان اختلال هوشی افراد، یک تعیین کننده مهم در یک استخدام رقابتی می باشد. مثلاً یک فرد با کم توانی ذهنی خفیف نسبت به یک فرد با کم توانی ذهنی شدید، عمیق و یا متوسط، بیشتر احتمال دارد که به کسب یک شغل نائل شود (مور و هارلی و گمبل^۱ ۲۰۰۴). این استانداردها به صورت متمرکز برای کل کشور تدوین می شود و معمولاً بر اساس همین هنر آموزان مرکز یا استان های برخوردار تدوین شده است بسیار ساده و گاهی اوقات برای این هنرجویان خسته کننده است و چون بحث کار در کارگاه است هنر آموزان امکان ارائه مطالب بیشتری را ندارند چون از مشکلات و حوادث احتمالی کار کارگاهی غیر ذکر شده در استاندارد و اهمه دارند در حالی که هنرجویان توان و تمایل به یادگیری بیشتر از حد استانداردها را دارند و با توجه به این نوع استاندارد امکان استقلال مهارتی را ندارند در حالی که هدف اصلی این سازمان آموزش و پرورش استثنایی، آموزش و پرورش گروه های مختلف کودکان و دانش آموزان با نیازهای ویژه است، به طوریکه این گونه کودکان و دانش آموزان بتوانند پس از گذراندن مراحل تحصیلی خود موقعیت اجتماعی و اقتصادی مناسب شرایط خویش را به دست (سازمان آموزش و پرورش استثنایی، ۱۳۷۰). همچنین والدین و معلمان معتقدند که برنامه درسی کارکردی با زندگی دانش آموزان کم توان ذهنی ارتباط بسیار بالایی دارد و مهارت های ضروری برای زندگی در جامعه را به آنها می آموزد (فورمن^۲ ۲۰۰۹). در ایران نیز بهار (۱۳۸۴) در پژوهشی به بررسی محتوای آموزشی و آماده سازی کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر در زمینه مهارت های زندگی مستقل از دیدگاه معلمان و اولیا پرداخته و به این نتیجه رسیده است که هم اولیا و هم معلمان بر این باورند که محتوای آموزشی مبتنی بر مهارت های زندگی مستقل بر مهارت های زندگی مستقل کودکان کم توان ذهنی اثر مثبت دارد. در واقع برنامه درسی کارکردی، مهارت های ضروری برای زندگی و کار در جامعه را به دانش آموزان کم توان ذهنی می آموزد و آنها را برای یک زندگی مستقل یا دست کم نیمه مستقل آماده می سازد. در حالی که این استانداردهای مورد بعدی اینست که برای هنر آموزان چند معلولیتی تدبیری اندیشیده نشده است. این استانداردها معمولاً برای افراد کم توان ذهنی تدوین شده است اما برای هنرجویان دارای چند معلولیتی مثل کم توان ذهنی - ناشنوا و یا کم توان ذهنی - کم بینا هیچ استاندارد مشخصی نداریم و با مناسب سازی شده با این افراد وجود ندارد که در اکثر مراکز این هنرجویان چند معلولیتی وجود دارند و معمولاً حضورشان در کارگاه ها منجر به یادگیری یا استفاده بهینه آنها نمی شود یکی دیگر از زیر مجموعه این کاستی ها این بود که استانداردها ساده شده ی استانداردهای مختص افراد عادی است نه متناسب سازی شده با شرایط ذهنی و جسمی

^۱ Moore, Harley, and Gamble

^۲ Foreman



افراد کم توان ذهنی شرایط یادگیری برای افراد کم توان ذهنی باید طوری طراحی گردد که به صورت عینی و ملموس باشد و مراحل مجسم و نیمه مجسم مشخص باشد در حالی که در این استانداردها و با مقایسه استانداردهای هنرجویان عادی همان روال آموزش تئوریک و سپس عملی درپیش گرفته شده است و فقط قسمت های از آن حذف شده است یا آموزش تا قسمتی ادامه داده شده است. واقعیت این است که افراد کم توان ذهنی به خاطر برخی محدودیت ها در موقعیت های واقعی، کارکردی مشابه همسالان عادی شان ندارند. به همین دلیل بسیاری از مهارت هایی را که دانش آموزان عادی از طریق مشاهده و کشف آنها را می آموزند، باید به دانش آموزان کم توان ذهنی آموزش داده شود. (قرابن همتی علمدارلو، ۱۳۹۴). آخرین زیر مجموعه کاستی های این بخش از اظهارات هنر آموزان مربوط به عدم تنوع در تعداد انواع در استانداردهای ارائه شده است که با توجه به تعداد کم هنرجویان و همچنین محدودیت های مالی و اعتباری مراکز استثنایی در استان حدود ۵ استاندارد تایید شده بر اساس امکانات پرسنلی و دانش آموزی و کارگاهی وجود دارد. که امکان تغییر آن در سال تحصیلی بعد و یا امکان انتخاب رشته ای دیگر برای این افراد وجود ندارد در حالی که تنوع این استانداردها در هنرستان ها و مراکز عادی زیاد است و امکان تغییر رشته وجود دارد.

کاستی اصلی بعدی و از دیدگاه بسیاری از هنر آموزان مهمترین چالش این استانداردها بود عدم تناسب این استانداردها با نیاز بازار کار و اشتغال زایی این هنرجویان که اکثر هنر آموزان بر آن تاکید داشتند و این کاستی اصلی نیز ۴ زیر مجموعه دارد:

جدول شماره ۳	
کاستی اصلی ۳: عدم تناسب این استانداردها با نیاز بازار کار و اشتغال زایی این هنرجویان	
زیر مجموعه ها	<p>- استانداردهای موجود جوابگوی نیاز بازار بومی نیست.</p> <p>- تعداد معدودی از فارغ التحصیلان بر اساس نوع حرفه ای که آموخته اند مشغول به کار می شوند.</p> <p>- با این نوع استانداردها امکان ایجاد اشتغال های خانگی و خوداشتغالی کم است.</p> <p>- نوع استانداردها امکان یادگیری بیشتر از یک مهارت و داشتن دو یا چند فرصت شغلی را نمی دهد.</p>

یکی از این زیر مجموعه ها در مورد استانداردهای موجود جوابگوی نیاز بازار بومی استان نیست به طوری که این استانداردها بومی نیستند و مناسب شرایط حال بازار کار استان کردستان نیستند و با متاسفانه چون این استانداردها به صورت متمرکز تدوین می شوند توجه آنچنانی به شرایط بومی و محلی نمی شود و یا اگر وجود دارد بسیار محدود هستند و بدون پشتوانه اجرایی و یا مربوط به سنوات گذشته هستند زیر مجموعه بعدی مربوط به اینست که تعداد معدودی از فارغ التحصیلان بر اساس نوع حرفه ای که آموخته اند مشغول به کار می شوند با توجه به اینکه از سال ۱۳۸۶ این مراکز در استان راه اندازی شده اند تعداد خیلی کمی از این هنرجویان با توجه به رشته و استاندارد که فرا گرفته اند جذب بازار کار می شوند و این مسئله در پژوهشی دیگر مورد میزان اشتغال این هنرجویان بعد از فارغ التحصیلی ۱۵ درصد مشغول به کار می شوند که ۲/۷ درصدشان شغل مرتبط با حرفه آموخته شده پیدا کرده اند (حسنی، ۲۰۰۵). همتی نیز در بررسی تاثیر آموزش مهارتهای حرفه ای در اشتغال زایی برای افراد کم توان ذهنی در شهر تهران، نشان داد حدود ۹۹ درصد از فارغ التحصیلان حرفه آموزی بی کارند (همتی ۲۰۰۴). زیر مجموعه بعدی در این قسمت مربوط به این مهم بود که با این نوع استانداردها امکان ایجاد اشتغال های خانگی و خوداشتغالی ضعیف است. بسیاری از این استانداردهای ارائه شده آموزش های هستند که باید در کارگاه های مجهز و به صورت جمعی و کارگاهی باشد و حداقل مغازه ای و یا سرمایه آورده ای صورت گیرد و توجه خاصی به مشاغل خانگی و یا انفرادی نشده است و یا مشاغلی که خدماتی هستند و می توان هنر آموزی را تربیت نمود که بتواند خدماتی را ارائه دهد. آخرین زیر مجموعه نیز تاکید دارد که: نوع استانداردها امکان یادگیری بیشتر از یک مهارت و داشتن دو یا چند فرصت شغلی را نمی دهد استانداردهای که در این مراکز ارائه می شود دارای ساعت زیاد آموزش عملی و تئوری هستند که باید در طول ۳ سال آموزش هنر جویان یاد بگیرند و امکان و فرصت استفاده و یادگیری این هنرجویان از یک استاندارد مکمل وجود ندارد که این خود یکی از موانع یاد گیری یک یا چند حرفه است که وقت و فرصت اشتغال محدود و منوط به یک استاندارد آموزشی می شود. که فرصت انتخاب را از هنر آموزان می گیرد. با توجه به اهمیت اشتغال این افراد که به تعدادی از آنها اشاره خواهد شد: پژوهشهای گسترده ای نشان داده اند که استخدام صحیح، اغلب منجر به کیفیت بهتر زندگی و اتحاد در میان اجتماع افراد کم توان ذهنی می شود و همچنین درجات بالایی از خودکنترلی، رضایت در طول زندگی، مشارکت اجتماعی و مهارت های انطباقی را به وجود می آورد (کوپر و



اگلتن^۱، ۲۰۰۵). همچنین استخدام افراد کم توان ذهنی برای دولت نیز من افع اقتصادی دارد. مثل هزینه های کمتر حمایت و دریافت مالیات از آنهايي که بالاتر از حداقل، دستمزد دریافت می کنند(بورگ، اولیت-کانتز و لی سات ۲۰۰۷). پژوهش ها نشان می دهند که فواید درک شده ی شغل و کار برای افراد کم توان ذهنی نیز، شبیه مزایای آن برای افراد عادی می باشد. مثلاً احساس تولید کننده بودن و مشغول شدن، داشتن روابط با همکاران، احساس مهم بودن، افزایش درآمد و داشتن فرصت های ی برای رشد(بورگ، اولیت-کانتز و لی سات ۲۰۰۷). بنابراین، استخدام و داشتن حرفه و زندگی مستقل برای افراد کم توان ذهنی یک عامل مهم و ضروری است و در انتقال این افراد از مدرسه به کار و دوران بزرگسالی نقش مهمی ایفا می کند پس ضروری است موانع سر راه اشتغال این افراد که یکی از آنها می تواند همین اصلاح وبازنگری استانداردها باشد، که با توجه به نظر خواهی و بررسی ادراکات هنرآموزانی که با این استانداردها سر و کار دارند ضروری به نظر می رسد تا منابع آموزشی در اختیار ایشان قرار بگیرد که مورد تاییدشان باشد.

بحث ونتیجه گیری

از آنجایی که کیفیت عملکرد افراد، تحت تأثیر ادراکات آنها قرار دارد (رضوانی، منصوریان و احمدی، ۱۳۸۸). در مطالعه حاضر به منظور درک عمیق آسیب های ناشی از تداوم روند کنونی استفاده از این استانداردها سعی شد تا با روش شناسی کیفی و ورود به نظام معنایی معلمان، سطح و عمق ادراک و تفسیر آنها نسبت به پدیده مورد بررسی، شناسایی و بازنمایی گردد. از نظر افتخاری، بدری، پایداری و سواد(۱۳۹۱) هر انسانی دنیای منحصر به فردی از ادراکات و تصورات دارد که از آگاهی ها و تجربیات وی نشأت میگیرد، اما مجموعه ای از الگوهای ادراکی مشابه در میان افراد در جامعه حاکم است که میتوان آنها را کشف و فرمول بندی کرد. بنابراین هدف این نوشتار، قضاوت در مورد درستی یا نادرستی دیدگاه و ادراک معلمان یا کیفیت استانداردها نیست، بلکه تلاش بر این است تا همچون آینه ای شفاف، ضمن توصیف، تحلیل و انعکاس سطح و عمق ذهنیات و ادراکات معلمان، وبا استفاده از این راه کارهای نیز برای حل آن ها یا اصلاح و تخفیف اثرات نا مطلوب آن اقدام نمود.

با توجه به جمع بندی های صورت گرفته از نظرات ومصاحبه های با هنر آموزان ۳ کاستی عمده زیر شناسایی شد که هر کدام دارای ۴ زیر مجموعه هستند که با استفاده از تجربیات هنر آموزان وهمچنین بررسی های صورت گرفته را حل های برای آن پیشنهاد می شود:

۱- عدم تناسب این استانداردها با میزان تجهیزات و امکانات کارگاهی موجود در مدارس استثنایی استان کردستان ۲- عدم تناسب این استانداردها با توانایی های ذهنی وجسمی این هنرجویان ۳- عدم تناسب این استانداردها با نیاز بازار کارو اشتغال زایی این هنرجویان واین کاستی های اصلی خود دارای ۳ زیرمفاهیم است. وهر کاستی به ۴ دسته جزئی تر تقسیم بندی شده است.

۱: عدم تناسب این استانداردها با میزان تجهیزات و امکانات کارگاهی موجود در مدارس استثنایی استان کردستان

- ۱-۱ موجود نبودن تجهیزات کافی وبه روز بر اساس نیاز استانداردها
- ۲-۱ نبود فضای مناسب کارگاهی واستاندارد برای اجرای این استانداردها
- ۳-۱ ایمن نبودن کارگاه وتجهیزات با توجه به ملاک های ایمنی وبهداشت کارگاهی
- ۴-۱ نبودوسایل ایمنی فردی متناسب با نوع معلولیت ها؛سن وجنس هنرجویان

پیشنهادهات:

- ۱- بازنگری واصلاح وبه روز نمودن تعدادی از استانداردهای موجود
- ۲- در تدوین استانداردها استفاده از کسانی که به طور عملی وتجربی در محیط کارگاهی با این افراد کم توان ذهنی سروکاردارند
- ۳- تمهیدات وتفاهم نامه های ایجاد شود که هنرجویان کم توان بتوانند در کلاس ها وکارگاه های سازمان فنی وحرفه ای شرکت کنند وبه طور مشخص در طول سال آموزشی با توجه به نیازاستانداردها در مراحلی که به تجهیزات بیشتری نیاز است وبیا تجهیزات تخصصی تری لازم است از این مراکز استفاده کنند.
- ۴- با توجه به احیای مجدد سازمان مدیریت وبرنامه ریزی تلاش شود بودجه ها ی خاص تجهیز وتعمیر مراکز استثنایی دوباره ایجاد شود تا نواقص وکاستی های این مراکز جبران شود

^۱ Kober, and Eggleton

^۲ Burge, Ouellette-Kuntz, and Lysaght



۵- اولویت دادن تجهیز این مراکز به استان های محروم همچون کردستان چون با توجه به تحقیق های موجود مراکز استان های بر خوردار در وضعیت بهتری هستند. در پژوهشی تحت عنوان بررسی نگرش دبیران دانش آموزان با کم توان ذهنی نسبت به دوره متوسطه حرفه ای مراکز تهران بیشتر معلمان بر این اعتقادند که محتوای در نظر گرفته شده با توانایی، منابع آموزشی، امکانات مناسب، فضای آموزشی متناسب است (فرح مملکت دوست وهمکاران، ۱۳۹۴) و در پژوهشی دیگر بررسی میزان عملکرد درس حرفه آموزی در دانش آموزان کم توان ذهنی از دیدگاه دبیران مدارس استثنایی شهر اصفهان نتایج نشان داد که عملکرد درس حرفه آموزی و ابعاد آن یعنی خودکفایی مهارت های اجتماعی و روانی حرکتی بالاتر از حد متوسط شده است. همچنین یافته ها نشان داد که بین میانگین نمره های عملکرد درس حرفه آموزی از نظر دبیران نواحی مختلف و سوابق خدمتی گوناگون تفاوت معنی داری وجود دارد ولی بین میانگین نمره های عملکرد با توجه به متغیر جنسیت، مدرک و رشته تحصیلی تفاوت معنی داری وجود ندارد (علیرضا آقابابایی، ۱۳۹۴).

۶- اولویت ساخت مدارس استثنایی به مراکز فنی و حرفه ای متوسطه با کارگاه های مجهز و استاندارد جهانی.
۷- برگزاری دوره های ضمن خدمت برای تمامی هنر آموزان جدید الورود جهت آشنایی با ویژگی های خاص افراد کم توان ذهنی و نوع مشکلات و محدودیت های خاص این افراد در عملکردهای فردی و جمعی و شناخت میزان انطباق این افراد با محیط های جدید و یا دارای خطر.

۲- عدم تناسب این استانداردها با توانایی های ذهنی و جسمی این هنرجویان

- ۱-۲ استانداردها برای هنر آموزان ساده و ابتدایی است
- ۲-۲ برای هنر آموزان چند معلولیتی تدبیری اندیشیده نشده است.
- ۳-۲ استانداردها ساده شده ی استانداردهای مختص افراد عادی است نه متناسب سازی شده با شرایط ذهنی و جسمی افراد کم توان ذهنی
- ۴-۲ عدم تنوع در تعداد و نوع استانداردهای ارائه شده

پیشنهادات:

- ۱- بازنگری استانداردهای موجود با توجه به نیاز استان ها و استفاده از کارگروه های استانی و تلاش برای استانداردهای بومی و پودمانی^۱
- ۲- استانداردهای خاص افراد چند معلولیتی تدوین شود مثلا برای چند معلولیتی کم توان - ناشنوا با غلبه کم توان ذهنی استانداردهای در نظر گرفته شود که نیاز اصلی آموزش آن علاوه بر مناسب سازی گروه کم توان بر فعالیت های دیداری تاکید داشته باشد و از نظر تئوریک محدودتر باشد: مثل استاندارد ویتراوی روی شیشه. استاندارد جعبه سازی استانداردهای ظرف کاری روی چوب و پارچه
- ۳- در زمینه استانداردهای مناسب سازی شده تاکید و توجه به شرایط ذهنی آنها در اولویت باشد نه صرف ساده ساختن استاندارد ها و حذف مراحل از آن بر اساس استانداردهای افراد عادی، بلکه با توجه به ظرفیت ذهنی آنها و مراحل یادگیری عینی و مجسم و نیمه مجسم.
- ۴- اگر میزان ساعت استانداردها کاهش یابد و عوض تعداد استانداردها افزایش یابد امکان استفاده تعداد بیشتری از این استانداردها وجود دارد و اگر استانداردهای بومی و یا تجهیزات کمتر مورد استفاده در بازار تدوین شود باعث می شود بتوان تنوع بیشتری در آنها ایجاد کرد. مثلا استاندارد تعمیر کفش، استاندارد جعبه سازی، پاکت های کادویی گیوه بافی تجهیزات کمتری لازم دارد در تایید این پیشنهاد پژوهشی در رابطه با این واقعیتها باید در برنامه ریزی درسی آموزشهای فنی و حرفه ای ایران، رویکرد " پودمانی " مورد استفاده قرار گیرد تا ارائه انعطاف پذیر خدمات آموزشی را تسهیل کرده و استفاده از برنامه های درسی با ویژگیهای اشتغال مدار و تقاضا محور را بهینه سازد. این رویکرد از ارتقاء مهارت کارگران شاغل، آموزش و بازآموزی جوانان، بزرگسالان و افراد بیکار حمایت کرده، و بر قابلیت اشتغال تأکید می ورزد و تضمین میکند که آموزش منطبق بر نیازهای مهارتی بازار کار و نیز کارگاههای اقتصادی کوچک در نواحی روستایی و شهری باشد (اسفندیار چهاربند ۱۳۹۱). با توجه به پژوهش ها، هدف درس حرفه آموزی در دانش آموزان کم توان ذهنی باید به گونه ای باشد که آنها را برای نوعی شغل تربیت کند (۶) اصلاح طلبان آموزش فنی و حرفه ای ممکن است در ایران در رابطه با رویکرد پودمانی تنگناهایی پیش روی داشته باشند. تهیه برنامه آموزشی پودمانی مستلزم انطباق آن با نیاز گروه های هدف کارآموز و جامعه بومی و ملی است. تنگناهایی که اصلاح طلبان آموزش فنی و حرفه ای ممکن است در ایران در رابطه با رویکرد پودمانی پیش روی داشته باشند، مسائلی از این قبیل هستند: صلاحیت مورد نیاز تدوین کنندگان برنامه های درسی / انطباق موسسات آموزشی / انطباق فراگیران / انطباق مدرسان و مربیان / تهیه آزمونهای عملکرد / ارتقای موسسات آموزشی (اسفندیار چهاربند ۱۳۹۱). که شاید اولین گام همان اصلاح استانداردها باشد.

۳- عدم تناسب این استانداردها با نیاز بازار کار و اشتغالزایی این هنرجویان

- ۱-۳ استانداردهای موجود جوابگوی نیاز بازار بومی نیست.

^۱ روش شناسی است که به تعیین ساختار پودمان برنامه درسی یا برنامه آموزشی یک دوره دراز مدت در قسمتهای جداگانه مشخص کمک می کند.



- ۲-۳ تعداد معدودی از فارغ التحصیلان بر اساس نوع حرفه ای که آموخته اند مشغول به کار می شوند.
- ۳-۳ با این نوع استانداردها امکان ایجاد اشتغال های خانگی و خوداشتغالی کم است.
- ۴-۳ نوع استانداردها امکان یادگیری بیشتر از یک مهارت و داشتن دو یا چند فرصت شغلی را نمی دهد.

پیشنهادات:

استخدام، یک امتیاز بزرگ در زندگی بیشتر بزرگسالان است. در واقع کار و شغل، فرصتی به وجود می آورد برای خودکفایی اقتصادی، برقراری ارتباطات اجتماعی با دیگران، ایجاد احساس احترام و عزت نفس به خود، همچنین به عنوان وسیله ای برای ابراز خود (بورگ، اولیت-کانتر و لی سات ۲۰۰۷). مطالعات زیادی صورت گرفته اند که نشان می دهند اکثریت قریب به اتفاق افراد کم توان ذهنی بیکار هستند و یا پس از فارغ التحصیل شدن از دبیرستان هنوز کاری پیدا نکرده اند (لافتیگ و مودرت^۱، ۲۰۰۵). نتایج پژوهش سو، لین، ویو و چن^۲ (۲۰۰۸) نشان داد که افراد کم توان ذهنی استخدام شده نسبت به افراد استخدام نشده به طور معناداری از نظر کارکردهای شناختی عملکرد بهتری از خود نشان دادند. با توجه به اهمیت اشتغال افراد کم توان ذهنی همچنین وجود موانع زیاد، تدوین استانداردهایی که موجب اشتغال زایی این افراد شود گامی مهم در آموزش این افراد است که با توجه به بررسی های صورت گرفته و استخراج از اظهارات هنر آموزان موارد ذیل پیشنهاد می گردد:

- ۱- با توجه به شرایط اقتصادی و فرهنگی اجتماعی استانداردهایی که می توانند در استان کردستان موجب اشتغال زایی شوند: گیوه بافی- ساخت جعبه- تعمیرات کفش- منشی گری- پخت نان های محلی- پارکبانی- دوخت لباس های محلی به تفکیک جنسیت و شهرهای استان- کاشت گل های دارویی- کمک آشپزی- بلیط فروشی- وامور خدماتی دیگر همچون سرایداری و نگهداری. مستخدمی و گارسونی- پرورش بلدرچین- کاشت قارچ و چندین رشته دیگر که نیازمند کار پژوهشی جداگانه است.
- ۲- ایجاد تفاهم نامه های بین سازمان آموزش و پرورش استثنایی و فنی و حرفه ای هلال احمر، بهزیستی و کمیته امداد و شهرداری ها با محوریت استانداردی و یافرمانداری ها برای شناسایی مشاغل مورد نیاز و استفاده از این افراد در این زمینه ها چه خدماتی و چه تولیدی و در نظر گرفتن سهمیه های خاص معلولین بر اساس این استانداردها
- ۳- توجه خاص به استانداردهای بومی و خانگی برای اشتغال زایی با سرمایه کم و خود اشتغالی بدون نیاز به مکان و کارگاه مجهز برای این افراد آموزش قلاب بافی، توپ سازی، کیف سازی، کار روی پارچه، ویترا، شمع سازی، خدماتی همچون گارسونی نگهداری و کمک آشپزی و تعمیرات کفش و یا کاشت گل و گیاه آپارتمانی و ده ها نوع مشاغل خانگی که به راحتی مشمول دریافت وام خود اشتغالی می شوند.
- ۴- تاکید بر استانداردهای کم هزینه تر با ساعات آموزشی کمتر تا این افراد بتوانند در طول ۳ سال تحصیلی ۲ یا ۳ استاندارد آموزشی را طی نمایند.

می توان امیدوار بود با به کارگیری این پیشنهادات اصلاحی در ابعاد مختلف زندگی افراد کم توان ذهنی همچون خودکفایی، ارتباطات اجتماعی، وضعیت اقتصادی، وضعیت جسمی و حرکتی و استقلال آنها تغییراتی امیدوار کننده حاصل شود.

^۱ Luftig, and Muthert

^۲ Su, Lin, Wu, and Chen



منابع

- بازرگان، عباس (۱۳۸۹) مقدمه ای بر روشهای تحقیق کیفی و آمیخته؛ رویکردهای متداول در علوم رفتاری تهران: نشر دیدار.
- وکیلی هریس، شهرام؛ حجازی، الهه و اژه‌ای، جواد (۱۳۸۸). رابطه ویژگیها و کارآمدی معلم با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، مجله روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۷۱-۱۸۹
- بازرگان، عباس (۱۳۸۴). ضرورت توجه به دیدگاه‌های فلسفی زیربنایی معرفت‌شناسی در علوم انسانی برای انتخاب روش تحقیق با تأکید بر روش‌های کیفی پژوهش و ارزشیابی آموزشی. (مجموعه مقالات) علوم تربیتی: به مناسبت نکوداشت دکترعلی محمد کاردان (صص ۳۸-۵۰). تهران: انتشارات سمت.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۴). ضرورت توجه به دیدگاه‌های فلسفی زیربنایی معرفت‌شناسی در علوم انسانی برای انتخاب روش تحقیق با تأکید بر روش‌های کیفی پژوهش و ارزشیابی آموزشی (مجموعه مقالات) علوم تربیتی: به مناسبت نکوداشت دکترعلی محمد کاردان (صص ۳۸-۵۰). تهران: انتشارات سمت.
- افتخاری، عبدالرضا؛ رکن‌الدین بدری، سیدعلی؛ پایدار، ابوذر و سوادی، علی اصغر (۱۳۹۱). تحلیل ادراکات روستاییان از پیشرفت زندگی، و ابعاد و موانع آن (مطالعه موردی: روستای دوساری دشت جیرفت). (پژوهش‌های روستایی، ۷۳-۵۱: (۳) ۳
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی، ضد روش ۱، منطق و طرح روش شناسی کیفی. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- خانی، اقبال، رحیم ایمانی و کیوان صالحی. "تأثیر آموزش مهارت - محور بر عزت نفس و شادکامی دانش آموزان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر." مهارت آموزی ۴، ۱۳ (۱۳۹۴): ۳۳-۴۸
- محمدزاده، زینب و کیوان صالحی. "تبیین پدیده نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی از منظر نخبگان دانشگاهی: مطالعه‌ای با رویکرد پدیدارشناسی." راهبرد- مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام ۲۵، ۷۹ (۱۳۹۴): ۲۳-۵۶
- صالحی، کیوان، عباس بازرگان هرندی، ناهید صادقی و محسن شکوهی یکتا. "بازنمایی ادراکات و تجارب زیسته معلمان از آسیب‌های احتمالی ناشی از اجرای برنامه ارزشیابی توصیفی در مدارس ابتدایی." فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی ۵، ۹ (۱۳۹۴): ۵۹-۱۰۰.
- آقابابایی علیرضا، آقاحسینی تقی، قاسمی فاطمه. بررسی میزان عملکرد درس حرفه‌آموزی در دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی از دیدگاه دبیران مدارس استثنایی شهر اصفهان. تعلیم و تربیت استثنایی. ۱۳۹۴؛ ۹ (۱۳۷) ۳۴-۴۰
- چهاربند اسفندیار. الگوی برنامه درسی پودمانی بر پایه استاندارد شایستگی حرفه‌ای. تعلیم و تربیت استثنایی. ۱۳۹۱؛ ۳ (۱۱۱) ۵۱-۶۶
- سیداسماعیلی قمی نسترن، شیخ الاسلامی علی. بررسی موانع موجود در استخدام افراد کم‌توان ذهنی. تعلیم و تربیت استثنایی. ۱۳۹۲؛ ۳ (۱۱۶) ۴۱-۴۶
- همتی علمدارلو قربان. رویکردهای برنامه درسی دانش آموزان کم‌توان ذهنی: مزایا و معایب. تعلیم و تربیت استثنایی. ۱۳۹۱؛ ۲ (۱۱۰) ۲۱-۳۰
- همتی علمدارلو قربان. برنامه‌درسی کارکردی برای دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی. تعلیم و تربیت استثنایی. ۱۳۹۲؛ ۵ (۱۱۸) ۲۴-۳۵
- مملکت دوست فرح، سفری وصال مروارید، کشاورز سوسن، شهریاری منصوره. بررسی نگرش دبیران دانش‌آموزان کم‌توانی ذهنی نسبت به دوره متوسطه حرفه‌ای. تعلیم و تربیت استثنایی. ۱۳۹۴؛ ۸ (۱۳۶) ۲۲-۲۹

1. Watzke S, Galvao A, Brieger P, Vocational Rehabilitation for subjects with severe Mental illnesses in Germany. Journal of Socopsychiatry Epidemiol. ۲۰۰۲؛ ۳۹: ۵۲۳-۵۳۱
۲. Hemati alamdarloo gh, Job keeping people with mental retardation. Journal of exceptional education. ۲۰۱۱؛ ۱۰۶: ۱۸-۲۷. [persian]



- ۳- Asgharinekah M, the effective of vocational traning. Journal of exceptional education. ۲۰۰۹; ۸۲: ۱۴-۲۶.
- ۴- Alwell M; Cobb B, functional Life Skills Curricular Interventions for youth with Disabilities. Career Development for Exceptional Individuals. . () : -
- Abtahi M, transformation in the teaching of slow learners: teaching of personal self sufficiency skills to high school students. Journal of curriculum studies (J.C.S.). ۲۰۱۱; ۱۷: ۸-۳۸.
- ۶- Dipipi C, Jitendra, A.K, Kern L, Effects Of time a Vocational Setting. Journal of special education. ۲۰۰۹; ۵۴: ۱۴۵-۱۵۹.
- Stronge, J. H., & Tucker, P. D. (۲۰۰۳). *Handbook on teacher evaluation: Assessing and improving performance*. Larchmont, NY: Eye on Education.
- Kaufman, T. E., Grimm, E. D., & Miller, A. E. (۲۰۱۲). *Collaborative School Improvement: Eight Practices for District-School Partnerships to Transform Teaching and Learning*, Harvard Education Press, Cambridge, MA.
- Kober, R., and Eggleton, I.R.C. (۲۰۰۵). The effect of different types of employment on quality of life. Journal of Intellectual Disability Research ۴۹, ۷۵۶-۷۶۰.
- Kober, R., and Eggleton, I.R.C. (۲۰۰۵). *The effect of different types of employment on quality of life*. Journal of Intellectual Disability Research ۴۹, ۷۵۶-۷۶۰.
- Aghababaei A, Aghahosseini T, Ghasemi F. Evaluation the Amount of the Effect of Profession Teaching Performance on Mental retarded Students from Exceptional Teacher's points of View in Isfahan City. Exceptional Education. ۲۰۱۶; ۹ (۱۳۷): ۳۴-۴۰.
- Maxwell, J. (۲۰۰۵). *Qualitative Research Design: An Interactive Approache*, Second Edition, London: Sage Publications.
- Behrad B, the Educational content and provide children with Educable mental retardation. journal of exceptional children. ۲۰۰۶; ۱۷: ۲۷۱-۳۹۴.
- Burge PH, Ouellette- kuntz H, Lysaght R, Publicviews on employment of people with intellectual disabilities. Journal of vocational Rehabilitation. ۲۰۰۷; ۲۶: ۲۹-۳۷.
- Moore, C.L., Harley, D.A., and Gamble, D. (۲۰۰۴). *Ex-post-facto analysis of competitive employment outcomes for individuals with mental retardation: National perspective*. Journal of Mental Retardation, ۴۲, ۲۵۳-۲۶۲.
- Lin Su, Chen C, the role of cognition and adaptive behavior in employment of people with mental retardation. Journal of Research in Developmental disabilities. ۲۰۰۸; ۲۹: ۸۳-۹۵.
- Kaufman, T. E., Grimm, E. D., & Miller, A. E. (۲۰۱۲). *Collaborative School Improvement: Eight Practices for District-School Partnerships to Transform Teaching and Learning*, Harvard Education Press, Cambridge, MA.
- Sebate, P. M. (۲۰۱۱). The role of teacher understanding in aligning assessment with teaching and learning in Setswana home language. Master Thesis. University of South Africa.